

سهل انگاری و بی‌مبالاتی نظام، جان‌ده‌ها کارگر را گرفت

شباهنگ راد

حوادث کارگری و بی‌مبالاتی رژیم جمهوری اسلامی، همچنان دارد، جان‌کارگران را در میادین تولیدی، توزیعی و ساختمانی می‌گیرد. ساختمان ۱۷ طبقه و بزرگ پلاسکو سوخت و بر پرونده بی‌مسئولیتی نظام افزود. آتش‌سوزی در مدارس بدلیل فقدان سیستم گرمایشی منطبق با استانداردهای بین‌المللی، خرابی بی‌قوله‌های محروم‌ترین اقشار جامعه، در اثر حوادثی همچون باد و باران و سیل، قطع دست و پا در میادین تولیدی به دلیل فقدان امکانات اولیه ایمنی و غیره، از زمره حکایت و معضلاتی است که در برابر میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش ایران قرار گرفته است. بی‌تردید در آتش سوختن کارگران در ساختمان پلاسکو، از جمله آخرین حادثه‌ها خواهد بود و بنابه گفته «معصومه آباد»، رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران، ۳۰۰۰ نایمن دیگر" در تهران، در انتظار فاجعه‌ای همچون ساختمان پلاسکو می‌باشند.

براستی عامل اصلی چنین فجایع دردناکی، به گردن چه کس، و یا کسانی است و تا چه زمان، کارگر در میادین استثمار، از شر این دست رویدادها خلاصی خواهند یافت، جامعه بیش از این، شاهد تلف شدن ده‌ها، صدها و یا هزاران نفر، در اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری‌های مسئولین و مقامات دولتی نخواهد بود؟ بطور قطع پاسخ حقیقی به سئوال فوق، ربط مستقیمی به مناسبات و قانونمندی‌های حاکم بر جامعه دارد و باید دانست که، تازمانی نظام‌های سرمایه‌داری، و از جمله سران رژیم جمهوری اسلامی، با اعوان و انصارشان بر سر کاراند، جامعه کارگری از این دست بلاهای غم‌انگیز، خلاصی نخواهد یافت. چرا که سرنوشت دردناک زندگی میلیون‌ها انسان دردمند، با سرنوشت سرمایه‌داران و جانیان بشریت گره خورده است؛ چرا که سرمایه‌دار، با قطع و با محدود نمودن امکانات کاری - ایمنی و بهداشتی، بدنبال سود بیشتر است، بی‌دلیل هم نیست که دارد، کارگر را در بدترین موقعیت و شرایط کاری قرار می‌دهد تا بر موقعیت مالی خود بی‌افزاید. خرابی در اثر حوادث پائین و همچنین فقدان امکانات کاری در کنار ناامنی‌های شغلی، زندگی را به کام کارگران تلخ نموده است. درد و مشکلات کارگر، در زیر سایه نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله رژیم جمهوری اسلامی، یکی دو تا نیست. در نظامی که دست‌مزد کارگر منطبق بر تورم جامعه نیست؛ در نظامی که پول کارگران را به بهانه‌های متفاوت بالا می‌کشند و بعضاً از آنان، بیش از دو سال است که، از دریافت حقوق‌های‌شان با سرمایه‌داران و رژیم حامی آن، در جنگ و جدال‌اند، واقعه آتش‌سوزی و با خاک یکسان شدن ساختمان ۱۷ طبقه پلاسکو هم، نمی‌تواند، امری بعید و به دور از انتظار باشد؛ ساختمانی که، شرکت گاز، بدلیل ناامنی و غیراستانداردی آن، حاضر به انشعاب گاز آن نبود، ساختمانی که، بارها و بارها، از جانب دوائر متفاوت و آن‌هم بعنوان ساختمان ناامن رصد شده بود.

پیشاپیش می‌دانستند که این ساختمان فاقد پائین‌ترین امکانات ایمنی است، می‌دانستند که بی‌توجهی بدان، جان کارگران را خواهد گرفت. اما و علی‌رغم چنین شناختی، به‌جای علاج خرابه‌ها، و به‌جای جلوگیری از وقوع چنین رخداد ناگواری، نظاره‌گر فرو ریختن ساختمان ۱۷ طبقه بر سر کارگران شده‌اند. پُر واضح است که حادثه پلاسکو تک نمونه نبوده و نیست و در این چند دهه، نظام جمهوری اسلامی به‌همراه دولت‌های رنگارنگ‌اش، بر اوضاع کاری و بر زندگی دهشتناک کارگران افزوده‌اند. چرا که کار و بارشان هر چه محدود نمودن زندگی محروم‌ترین اقشار جامعه و همچنین حمایت بی‌چون و چرا از استثمارگران و چپاولگران، اموال عمومی است، در این میان هر زمان، کارگر برای مطالبات بحق‌اش علیه کارفرمایان و صاحبان تولیدی پیرامون دریافت حقوق‌های معوقه‌اش و دست‌یابی به تجهیزات کاری - ایمنی، دست به اعتراض زده است، با ارگان‌های سرکوب‌گر نظام مواجه شده است. همه دولت‌ها و از جمله دولت "تدبیر و اعتدال" روحانی هم، در چنین راستا و مسیری در حرکت است؛ دولتی که، بدون فوت وقت، به استثمار و به سرکوب کارگران پرداخته است، تا چرخش دم و دستگاه‌های طبقه سرمایه‌داری، از حرکت باز نایستند؛ دولت "تدبیر و امید"ی که در این چند ساله، بجای رفع و رجوع معضلات رو در روی کارگران و زحمت‌کشان، بر معضلات و بر بی‌امکاناتی

میادین متفاوت استثمار افزوده، همواره و همواره، طرف کارفرمایان و صاحبان تولیدی را گرفته است. بر همین اساس، همه دست اندرکاران و حامیان نظام، در بروز فاجعه ساختمان پلاسکو دخیل اند و باید و می‌بایست، تاوان ناکرده‌ها و جنایت‌کاری‌های شان را باز پس دهند.

به بیانی روشن‌تر سرمایه‌داران برای کاهش هزینه‌ها و درآمد بیشتر، دارند از جان کارگران مایه می‌گذارند، به هر ذالت و پستی‌ای، تن می‌دهند. جان و زندگی کارگر برای سرمایه‌دار و دولت حامی آن، کمترین ارزش و جایگاهی ندارد و می‌توان هزاران حوادث مرگ‌بار و قطع دست و پا در میادین استثمار را، ردیف نمود و نشان داد، که کارگران، در چه شرایط ناهنجاری، مشغول به کار طاقت‌فرسا و دردناک‌اند. در ایران زیر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، استانداردهای کاری و وسائل ایمنی - ساختمانی، بسیار پائین و خطرناک است، بطور نمونه یکی از ماموران آتش‌نشانی در فاجعه پلاسکو می‌گوید: "ما ۵ هزار نیروی عملیاتی هستیم اما با هزار لباس آتش‌نشانی. متأسفانه به خاطر بی‌توجهی‌های مدیران مان و مسئولان شهری با کمبود امکانات روبه‌رو هستیم که کار را برای ما سخت کرده است. اگر کیفیت لباس‌های ما بهتر شود به طور قطع راحت‌تر می‌توان دل به آتش زد. ولی گاهی همین ابتدایی‌ترین مسائل مشکل‌ها را برپیمان دو چندان می‌کند."

آری، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به جای خرید دستگاه‌ها و ماشین‌های کارساز، برای جلوگیری از حریق و دیگر حوادث مرگ‌زا، در فکر خرید ماشین‌های آب‌پاش ضد شورش، و دیگر دم و دستگاه‌های سرکوب جنبش‌های حق‌طلبانه و اعتراضی‌اند. بنابراین یک راه، برای جلوگیری و از بین رفتن این‌دست فجایع وجود دارد و آن‌هم، قطع سلطه سرمایه‌داران از جامعه است. تنها راه نجات، و فرار از وقوع صدها حوادث طبیعی جان‌گیر، در گرو، به زیر کشیدن سران حکومت جمهوری اسلامی است، باید دانست، تا زمانی‌که سیاست استثمار و چپاول اموال عمومی، بر فضای جامعه ایران سنگینی می‌کند، معضلات و حوادثی همچون ساختمان پلاسکو متحمل، و جامعه کارگری بیش از پیش، شاهد تلف شدن تعدادی دیگر از هم قطاران‌شان، خواهد بود.

۲۳ ژانویه ۲۰۱۷

۴ بهمن ۱۳۹۵

بازگشت